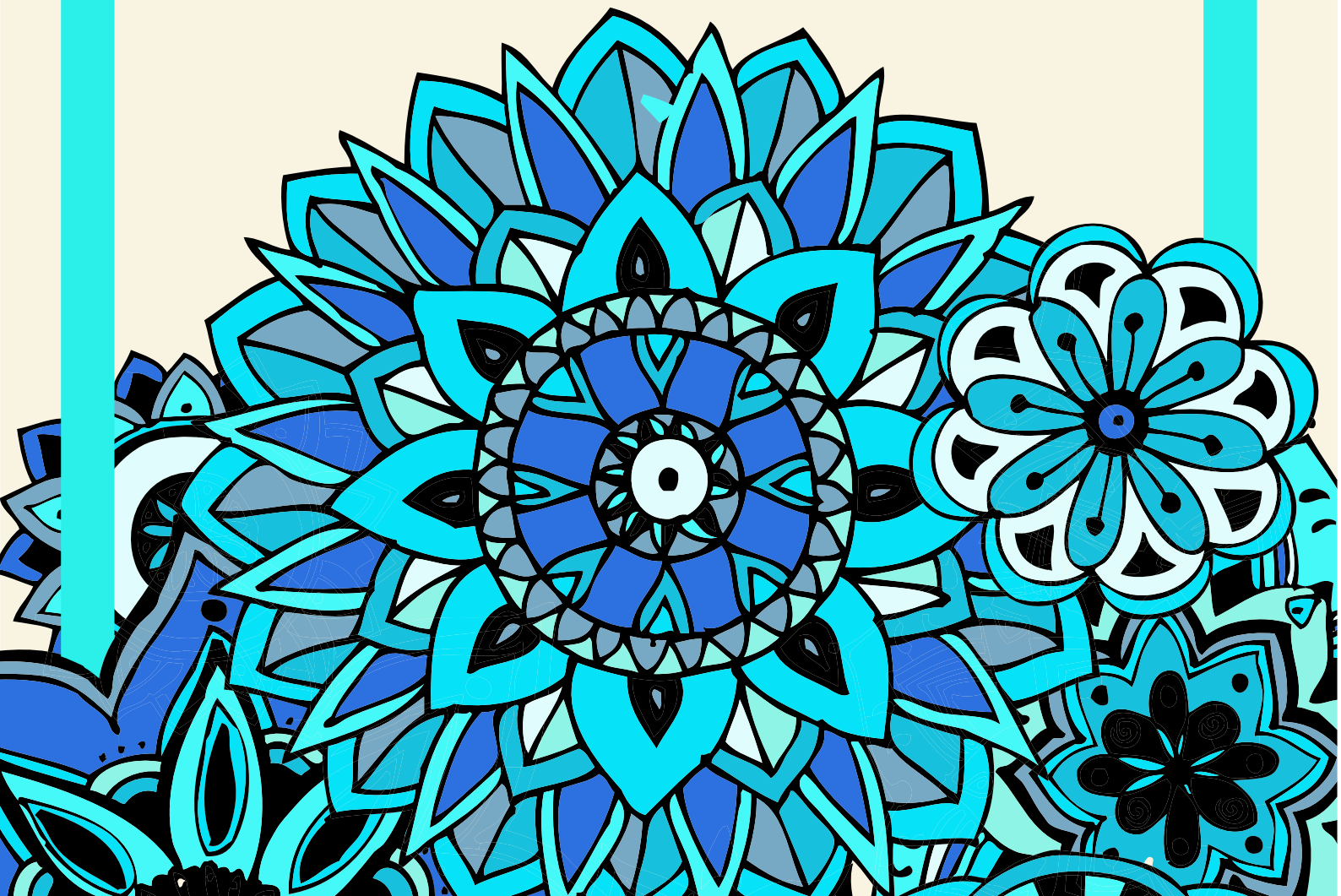


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



علم نزد مسلمین

موضوع جلسه: دانشمندان رازی، ابن سینا و خیام

ارائه‌دهنده: استاد بشیر سراجی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، ثُمَّ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى سَيِّدِنَا وَنَبِيِّنَا أَبِي الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ الطَّاهِرِينَ سَيِّمًا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي الْأَرْضِينَ وَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ مِنَ الْعَانَ إِلَى قِيَامِ يَوْمِ الدِّينِ ﴿١﴾ ﴿٢﴾ ﴿٣﴾ ﴿٤﴾ ﴿٥﴾
سلام عليكم جميعا

درباره ابن سینا و رازی و خیام سوالی باشه در خدمتم

امیر علی

بسم الله الرحمن الرحيم. ضمن عرض سلام تحیت خدمت استاد بشیر بزرگوار و ادمن‌های گرام. پوزش که مزاحم شده‌ام. استاد عزیز می‌خواستم در مورد مذهب دینی ابن سینا بفرمایید و اینکه آیا ایشان مذهبشان شیعه اثنی عشری بوده یا خیر چون عده‌ای می‌گویند ایشان انحرافات اعتقادی داشته؟

پوزش که بی ادبی کردم ﴿١﴾ ﴿٢﴾ ﴿٣﴾ ﴿٤﴾ ﴿٥﴾

استاد سراجی: سلام اقا امیرعلی عزیز تشکر از سوال زیبایی شما. در درجه اول باید بگم در مسلمان بودن ابن سینا و خانواده‌اش شکی نیست. اما...شواهد و مذهب ابن سینا. نگاه کنید خانواده ابن سینا همه شیعه بودن. پدرش شیعه اسماعیلی بود ولی خودش بدون شک شیعه اثنی عشریه و در آثارش حتی یک جمله موافق اینکه اسماعیلی بوده باشه نیست فقط گفته یک مدتی اسماعیلی بوده. تمام مبانی فکری پزشکی جهان مدیون رازی و ابن سیناست. تقویم شمسی که دقیق‌ترین تقویم جهانیه. بحث‌های فاکتوریل و جبر و احتمال و امدااره خیامه. اما خواستم شیعه بودن ابن سینا رو تبیین کنم. بعد برسم به خدمات این دانشمندان به صورت مستند. ابن سینا معترفه به این که چون محمود غزنوی سنی بود و متعصب و ضد شیعه‌ها بود مجبور شد از دربارش بره. و بعد از فرار از دست محمد میره پیش شمس المعالی قابس بن وشمگیر که شیعه بوده. تا اینکه پسر قابوس منوچهر جانشین پدر میشه ولی چون سنی بوده ابن سینا خطر رو حس می‌کنه و میره از دربارش. محمود غزنوی دستور میده چهار ماه زندانی میشه. دوباره پناه میاره به خاندان دیلمی در اصفهان به نام بنی کاکویه که شیعه بودن. محیط زندگی بوعلی سینا دوره سامانیان صدرصد محیط شیعی بود. کتاب ابن سینا به خاطر شیعه بودن نزد اهل سنت منفور بود. اشاعره ابن سینا رو تکفیر می‌کردن. حتی کتابش رو که شفا بود به شقا می‌خوندن و می‌سوزوندن. در پایان کتاب شفاء ابن سینا درباره خلفا گفته و برخی سخنانش در مورد امیرالمومنین حیدرکرار ع هست. که اقا بزرگ تهرانی در الذریعه اثبات کرده شیعه بوده. علی بن فضل گیلانی هم‌دوره میرفندرسکی کتابی نوشته در اثبات تشیع بوعلی سینا. تمام فکر کنم کافی باشه. اما سوال دوستمون که چه خدماتی کردن هرچند مختصر گفتم و جلسه سوم جلسات علم نزد مسلمین بنده به دانشمندان اختصاص دادم و پی دی افش موجوده ولی باز تکرار می‌کنم. بزرگترین طبیب بالینی اسلام رازی است که در خاور و باختر به خوبی شناخته شده است. حجیت او در طب پس از ابن سینا در درجه دوم بوده ولی در قدرت مشاهده بر او برتری دارد. در اواخر عمر خود تمام توجه خویش را به علم طب مصروف داشت که ظاهرا در اوایل عمرش نیز بدان علاقه داشت.

طب و شاید فلسفه را نزد علی بن ربن طبری آموخت. خیلی زود به ریاست بیمارستان ری منسوب شد و پس آن رییس بیمارستان بغداد شد. طلاب علم از دور و نزدیک در حلقه درس او فراهم آمدند و وی به خاطر معرفت فراوانی که داشت و مهر فراوانی که نسبت به شاگردان و بیماران خویش می‌ورزید بسیار مورد احترام بود. ابوریحان بیرونی که در آثار رازی تحقیق کرده نوشته است: وی صد و هشتاد و چهار تالیف دارد. بیشتر آن‌ها از بین رفته، بالخاصه آثار فلسفی او که جز معدودی باقی نمانده است. بزرگترین اثر طبی وی «الحاوی» است که در مغرب زمین به خوبی شناخته شده است. پر حجم‌ترین اثر اسلامی مفرد درباره طب است و مشاهدات شخصی بالینی رازی در آن آمده است. (از جمله بریدن سینه برای ریشه‌کن کردن نوعی سرطان)
رساله شاهکار وی (مقاله فی الجدری و الحصبه) درباره آبله و سرخک به لاتینی ترجمه شد و تا قرون اخیر در محافل طبی غرب خوانده می‌شد. تاثیر وی در دو جهان شرق و غرب در میدان‌های پزشکی و کیمیا بوده است. در این دو موضوع به وی به چشم استاد مسلم می‌نگریستند و می‌نگرند.

اما ابن سینا

ابن سینا به لاتینی آویکنا، که به او لقب شیخ الرییس داده اند. وی بدون شک بزرگترین فیلسوف و دانشمند جهان اسلام و موثرترین چهره در علوم و فنون است. ابن سینا ۲۵۰ اثر به حجم‌های مختلف نوشت و بعضی آن‌ها حتی در سفر و بر پشت اسب املا کرده بود. قوه تمرکز فکری و وحدت ذهن وی در مشرق زمین ضرب‌المثل است. از آثار مهم او قانون فی الطب است که خلاصه طب اسلامی است و تا همین امروزه در شرق و تا چندی پیش در غرب تدریس می‌شده است. یکی از مهم‌ترین کتاب‌هایی است که چندین بار در دوره رنسانس به چاپ رسیده. کتاب مهم دیگر وی دایره المعارف عظیمی است به نام ((الشفاء)). این کتاب نماینده اوج فلسفه مشائی است و فصل‌هایی در منطق و ریاضیات و تاریخ طبیعی دارد. این کتاب از طریق عبری به لاتینی انتقال یافت و در عبری شفاء می‌شود شفعه به معنای کفایت به همین دلیل در اروپا (Sufficiencia) به معنی کافی در آمده است. این کتاب مباحث فیزیکی و طبیعیات و زمین‌شناسی و کانی‌شناسی را دربردارد. در غرب به ابن سینا لقب امیر پزشکان دادند و قرن‌ها طرز فکر و آثار او بر علوم پزشکی استیلا داشت. نظریه‌های علمی و فلسفی او بر افرادی چون ماگنوس، آکویناس و سکوتوس و راجریکن تاثیر فراوان گذارده است. این‌ها رو خودم تایید کردم سیو کردم رفقا تا خدمتی کرده باشم...

مهدی:

آیا جناب عالی این مطالب را در مورد ابوعلی سینا تایید می کنید؟؟

✓ شرحی کوتاه از باورهای ابو_علی_سینا

ابوعلی سینا دانشمند ایرانی که کلیت اسلام و مذاهب را زیر سوال برد!

از ابوعلی سینا کتاب فلسفی به نام شفا به جای مانده است که وی در این کتاب با دلیل و برهان های عقلی باورهای مذهب یون را باطل اعلام می کند. ابوعلی سینا در کتب تالیفی خود منکر وجود هر نوع معجزه می شود. ابوعلی سینا در کتاب شفا منکر زنده کردن مردگان توسط عیسی و تبدیل عصای موسی به مار و دونیم کردن ماه توسط پیامبر اسلام می شود. وی همچنین نظریاتی در رد وحی و وجود دوزخ و بهشت می دهد.

او درباره خلقت جهان می گوید:

«اگر تصور کنیم خدا لحظه ای تصمیم به خلق جهان گرفته باشد، واجب می آید تصور کنیم که قبل از آن کار واجبی می کرده و واجب تر می آید که پیش از آن کار واجب، کار واجب تری و واجب تری و اگر این رشته را ادامه دهیم به بی نهایت می رسیم و چون بی نهایت در منطق امری مهمل است پس خلقت جهان هم امری مهمل است...» - کتاب شفا ابوعلی سینا در زمان خود از سوی روحانیون به الحاد و کفر متهم شد. و به دستور خلیفه المنجد بالله در سال ۵۵۵ هجری کتاب هایش سوزانده شد.

«ابو علی الحسین بن سینا» (۱۰۳۷-۹۸۰ هجری قمری)

از فلاسفه و پزشکان شهیر نیز مانند ((الکندی)) از مدافعان برتری اصلی خردگرایی) بر الهامات پوچ متافیزیکی، معتقد به تفسیر اصول مذهبی بر پایه علم و مخالف معاد جسمانی بود.

منابع: انوشه، حسن (به سرپرستی). دانشنامه ادب فارسی: ادب فارسی در آسیای میانه. چاپ اول (ویراست دوم). تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰. ISBN 964-422-417-5 (جلد اول).

بیهقی، پورفندق، (به عربی: تمه صوان الحکمه)، بخش زندگی نامه خودنوشت و اضافات ابو عبید جوزجانی.

ستایشگر، مهدی. نام نامه موسیقی ایران زمین جلد سوم. چاپ اول. تهران: اطلاعات، ۱۳۷۶. ISBN 964-423-377-8 (جلد ۳).

استاد سراجی: اولاً بنده در مورد دین و مذهب ابن سینا کاملاً توضیح دادم. نگاه کنید خانواده ابن سینا همه شیعه بودن. پدرش شیعه اسماعیلی بود ولی خودش بدون شک شیعه اثنی عشریه و در آثارش حتی یک جمله موافق اینکه اسماعیلی بوده باشد نیست فقط گفته یک مدتی اسماعیلی بوده. ابن سینا معتزله به این که چون محمود غزنوی سنی بود و متعصب و ضد شیعه ها بود مجبور شد از دربارش بره. و بعد از فرار از دست محمد میره پیش شمس المعالی قابئس بن وشمگیر که شیعه بوده. تا اینکه پسر قابوس منوچهر جانشین پدر میشه ولی چون سنی بوده ابن سینا خطر رو حس میکنه و میره از دربارش محمود غزنوی دستور میده چهار ماه زندانی میشه. دوباره پناه میاره به خاندان دیلمی در اصفهان به نام بنی کاکویه که شیعه بودن. محیط زندگی بوعلی سینا دوره سامانیان صدرصد محیط شیعی بود. کتاب ابن سینا به خاطر شیعه بودن نزد اهل سنت منفور بود. اشاعره ابن سینا رو تکفیر می کردن. حتی کتابش رو که شفا بود به شقا می خوندن و میسوزوندن. در پایان کتاب شفاء ابن سینا درباره خلفا گفته و برخی سخنانش در مورد امیرالمومنین حیدر کرار ع هست که اقا بزرگ تهرانی در الذریعه اثبات کرده شیعه بوده. علی بن فضل گیلانی هم دوره میرفندرسکی کتابی نوشته در اثبات تشیع بوعلی سینا. دروغ بزرگ در مورد منکر بودن شفا.. این رو به پخش کننده های متن بگید کدوم صفحه از کتاب شفاء؟؟؟؟ بنده در مورد قران از نظر ابن سینا آوردم. یکی از بزرگترین برهان اثبات خدا برهان وجوب و امکانه که این برهان از ابن سیناست. ابن سینا معتزله که هر وقت برش مشکلی پیش می اومد به مسجد میرفت و تضرع می کرد و از خدا می خواست تا مشککش حل بشه. ابن سینا علن الهیات و خداشناسی رو علم برین میدونه و باقی علوم رو علم زیرین چطور میشه این ادم بی دین باشه؟؟ ابن سینا توسط روحانیون متهم نشد بلکه توسط اشاعره خشک مغز از لحاظ علمی و عقلی و متعصب تکفیر شد.. بخش عمده ش هم به خاطر شیعه بودنش. فکر کنم تمام باشه... بدویند شیعه همیشه مظلوم بوده و چون اقلیت بوده همیشه تکفیر می شده رافضی خونده می شده.. البته بین اهل سنت هم فضلا و مردمی بودن که اهل خرد بودن و با شیعه متحد بودن.. ولی خب داعشی در بین وهابی ها هم هست و افراطی همه جا هست که همه رو تکفیر می کنه. کتابها رو هم چون اکثریت می نوشتن همیشه بدگویی می کردن از شیعه ولی نور الهی خاموش شدنی نیست. تمام

مهدی:

پس شما تمام اتهامات وارده به ابن سینا را در این مقاله [شما](#) رد می کنید و آنها را خلاف واقع می دانید؟ یعنی ابن سینا بر خلاف عقاید شیعه، عقایدی نداشته است. **استاد سراجی:** نگاه کنید هیچ انسانی کامل نیست. همه انسان ها دچار شک و تردید میشن و تفکر می کنن و شبهات رو حل می کنن... امثال ابن سینا چون آثارشون مکتوب شده و ما با علم امروزی داریم قضاوت می کنیم کمی دور از انصافه.. ابن سینا در عصر خودش مسائلی رو حل کرد که شاید تا الان کسی نمی تونست.. ولی به طور کلی ایشون شیعه راست عقیده بوده. اینها رو من نمی گم شواهد تاریخی میگن

:Faezeh

اعتقاد خیام چی بوده، اشعارش اعتقادش بر ضد خدا دین نشون میده؟

استاد سراجی: در مورد خیام نظرات مختلفیه. علامه جعفری و دکتر محیط طباطبایی کتاب نوشتن. دو کتاب مستقل درباره شخصیت خیام. این دو کتاب بسیار دقیقه و نسخ خطی رو بررسی کردن. این دویزگوار از سه خیام در تاریخ نام میبرن. یک خیام فیلسوف. خیام حکیم و شاعر (نه اشعار زیاد) خیام شاعر اون که معروفه دومیه. این خیام معروف در اثبات معراج کتاب داره. اصلا قصدش شاعری نبوده و اشعارش خیلی اندکه بقیه رو یا منتسب کردن یا با اون خیام شاعر اشتباه گرفتن. خیام مهم‌ترین کتابش در ریاضیات به نام جبر و مقابله. در آغاز کتاب به صراحت به توحید و یکتایی خدا اذعان داره و پیامبران رو ستایش می‌کنه. به ویژه حضرت محمد صلی الله علیه و اله رو

سوال و جواب پیرامون دانشمندان مسلمان ابن سینا، رازی و خیام در گروه مباحثات عقلانی

سوال: آیا ابن سینا و رازی و خیام دلیل بر عدم وجود خدا هم داشتند؟

جواب: خیر همه شون موحد بودند...

سوال: آیا از آنها بحثی در خصوص وجود خدا و اعتقاد به قران و اسمانی بودن ان هم داشتند؟

فراوان. اگر شواد بخواید باید صبر کنید بدم بهتون. ولی سواتون کلیه.

سوال: در مورد ابن سینا به نظرم جای تردید نیست کافیه دوستان حتی کتاب‌های طب ایشون رو بخونن در کتاب‌های طبشون هم در مقدمه صحبت‌ها مشخصه چه اعتقادی دارن... اما خواهش دارم در مورد فرد رازی صحبت کنید چون در مورد اعتقاد ایشون به وجود خدا هم تردیدی نیست اما تردید در اینجاست که برخی معتقدن این شخص قائل به جدایی دین از حکومت بوده. اینکه بنده در چندین کتاب خوندم که جناب رازی معتقد به جدایی دین از حکومت بوده و این موضوع رو نقل کردن این صحبت صحبت داره یا خیر؟ اینو برای بنده مشخص کنید با ادله. تشکر

جواب: برفرض صحت ایشون رو ملحد جلوه نمیده ولی چنین نیست. خود رازی شخص سیاسی نبوده.. ابتدا موسیقی دان بوده و چنگ میزده بعد کیمیاگری می‌کنه و وقتی چشمش ضعیف میشه دنبال طباطبت میره و بعدش هم کور میشه... به خاطر کوری نتونست کتابی در اواخر بنویسه شاگرد هم زیاد نداشت. خاندان رازی منسوب ری زیادن... مثل ابوحنیم رازی یا برادران رازی در اندلس. رازی کتب فلسفیش مونده الحمدلله و نمیشه در اعتقادش تردید کرد... حتی خودش برای رد کج فهمی‌های دیگران از آثارش کتاب السیره الفلسفیه رو نوشته. در موضوع الهیات و به ویژه خداشناسی کم نظیره این کتاب.

سوال: بله ملحد نیستن ولی همین صحبت یعنی اعتقاد به جدایی دین از حکومت یک صحبت جالبی برای مباحثات و مناظرات میتونه باشه... و اینکه فهمید ایشون چطور به این اعتقاد رسیدن هم درخور توجه میتونه باشه... راستی اقا بشیر یک صحبتی ذهنم با این صحبت‌های شما مشغول کرده و اون اینکه دلیل رشد تمدن اسلامی در همین قرن دوم تا ششم هجری چی بوده؟؟؟ که ابن سیناها، رازی‌ها، خوارزمی‌ها، فارابی‌ها متولد میشن؟؟؟ و دلیل عقب ماندگی بعد از این دوران و قبل از این دوران چی بوده؟

جواب: دو تا کتاب بهش منسوب کردن که بیرونی میگه معروف به کفریات بوده. خیلی وسیعه برادر در این جلسه شاید نرسیم. من رازی رو بگم بعدش اگر وقتی باشه چشم. در مورد دو تا کتاب کفریات به رازی منسوب کردن در مورد نقض ادیان بوده و یکی رد انبیاء که در مورد جدایی دین در سیاست تو اولی هست. ابن ابی اصیبه از بزرگترین فهرست نویس‌های مسلمان میگه این دو کتاب رو دشمنان رازی مخصوصا اسماعیلیه نوشتن و به نامش زدن تا بدنامش کنن. رازی مثل همه دانشمندان شیعه عصر خودش مجبور بود عقیده‌اش رو مخفی کنه. یک کتابی داره الشکوک علی الجالینوس. پزشکی رو از دید الهی بررسی کرده و بر جالینوس ایراد گرفته. رازی دو تا کتاب داره که اثبات میکنه شیعه است. فی الامامه الموتم و دومی فی الامامه. رازی کتاب من لا یحضره الطیب رو نوشته. شیخ صدوق که از علمای بزرگ شیعه است کتاب من لا یحضرش رو الگو گرفته از کتاب رازی می‌دونه و میگه من تحت تاثیر کتاب رازی بودم. اقا بزرگ تهرانی در الذریعه ج دوم صفحات زیادی رو درباره شیعه بودن رازی میاره. فکر کنم کافی باشه.

علت اصلی رشد تمدن اسلامی عقل‌گرایی بود به ویژه میان تشیع.. بعد از حمله مغول که عقل‌گرایی کنار رفت بین سنی و شیعه صوفی‌گری و اخباری‌گری نشر پیدا کرد تمدن اسلامی هم رو به افول رفت البته مدت‌ب بعد چون گرفت و تا قرن ۱۶ میلادی هم تو صفویه و عثمانی اوج پیدا کرد اما کم کم دیگه رفت پایین.

سوال: عرض کردید حمله مغول؟ خب اگر جامعه در مفاهیم اسلامی عوطه ور بوده چطور در برابر حمله مغول دوام نیاورده؟ اینجا یک چیزی مورد شک و اون اینکه این مفاهیم اسلامی در جامعه پخش نشده هرچند پیشرفت بین نخبگان جامعه بوده یا اینکه مسائل دیگه ای مد نظره مثلا ظلم حکام عباسی اون زمان که شاید شبیه به دوره ساسانیان که پادشاهان ساسانی ظالم بودن و به این واسطه مردم ایران در برابر اعراب دست به مقاومت نزدن ، حکام عباسی هم ظالم بودن و به این واسطه مردم ایران در برابر مغول دست به مقاومت نزدن البته این‌ها نظره... ولی بنده منظورم اینه که شاید باید در این بحث به سراغ این موضوع رفت که علت عدم مقاومت مسلمین در ایران در برابر قوم مغول چی بوده؟؟؟؟ یا به القوه قدرت مقاومت وجود نداشته؟

جواب: مغولان تعدادشون خیلی کم بود تنها کسانی که مقاومت کردن شیعیان بودن.. اکثریت مردم اهل سنت بودن. اینکه تو دوره مغولان این اتفاق افتاد مقدمه

داشته. از دوره سلجوقیان وقتی نظامیه‌ها تاسیس شد قشری‌گری شروع شد و هدف نظام الملک ضربه بهش شیعه بود و عقلی‌گرایی فلسفی. غزالی از بزرگترین علمای نظامیه صوفی بود و ضد فلسفه. کتاب تهافت الفلاسفه ش معروفه. دوره خوارزمشاهیان افول عجیبی رو داشتیم که مغولان هم همین دوره وارد شدن. **سوال:** یا اینکه قدرت مقاومت وجود داشته در نزد ایرانی اما اسلام در ایران به واسطه دلایلی که باید جست و جو بشه و مورد بحث قرار بگیره رو به ضعف رفته؟ **سوال:** سلام. یه بحثی ما داریم در مورد استبداد شاهان ایران..اینکه مطلق حکم به استبداد داده بشه اشتباه هست..چون اگر با حکومت‌های بی‌زانس مقایسه بشه چقدر فقط در دربارشون برای غصب قدرت کشتن همو..اما در ایران فقط چند مورد بوده که اینم سرکوب شده... البته بگدریم از قیام مانی و مزدک که هدف اصلی قدرت بوده. افولش هم بخاطر وجود روشن‌فکران غرب زده.

جواب: اسلامی که وارد ایران شد دیگه باقی نموند...ایرانی‌ها مسلمان شدن ولی چون اسلامی که وارد شد بهتر از وضعیت موجود بود یعنی ظلم‌های ساسانیان ولی بعد از شناخت ائمه‌س و مخصوصا ورود امام رضا ع به ایران شیعه شدن ایرانی‌ها شروع شد.

سوال: البته عقل‌گرایی در این باب تعریف داره... چون بنده خودم با نظر استادم دو نوع عقل‌گرایی در مسائل را بررسی کردیم

جواب: عقل‌گرایی شیعی و اعتزالی بله مختلفن ولی نزدیک. خب اقرار العقلاء علی انفسهم جائز...اون دینا ازش بپرسید...تو ده یازده سالگی حافظ قران بودن.

سوال: نه فقط شیعی و اعتزالی..منظورم اون عقل‌گرایی در دین هم هست

سوال: با عرض سلام حکومت بی‌زانس هم از بین میره به واسطه همین ظلم‌ها، ظلم در دوره پیش از ورود اسلام در کتب بسیاری در موردش صحبت شده... مثلا در همین دوره ساسانیان یکی از کوچک‌ترین ظلم‌هایی که شده اینه که سواد تنها محدود به درباریان و اشراف بوده... به این واسطه دهقانان هم دست به شورش زدن چرا؟؟؟ چون در این زمان ایران در مرحله اقتصاد کشاورزی بوده و حکومت ساسانی هم مالیات زیادی رو از دهقانان می‌گرفتن... همین گرفتن مالیات زیاد دوباره در عهد عباسیان تکرار با اومدن اشاعره و سرکوب شدن تفکر معتزله باز ما همون رکود تفکر و سواد عمومی رو در جامعه می‌بینیم به این واسطه ما دو نتیجه یکسان می‌بینم اول سقوط حکومت ساسانیان پیش از اسلام و بعد سقوط تمدن پیشرفته اسلامی بعد از حمله مغول.

جواب: عقل در تعاریف معانی مختلفی داره...اگر عقل از منظر شرع نگاه کنیم یک ابزار و عقاله..یعنی بند و میزانه...

سوال: طب دنیا و فلسفه تا ابد وام دار سینا خواهد بود. غرب می‌بالد بطب او و فلسفش

جواب: بله توماس اکویناس و راجر بیکن و خیلی‌ها در غرب وامدار فلسفه ابن سینا هستن. حتی ابن رشد فیلسوف مسلمان اسپانیایی پیرو ابن سینا بودن.

سوال: بله... این انحصارگرایی به سواد که صد در صد مورد قبول و ماجرای آن کفش گر و پسرش...شیعه هم در دوره مغول به دلیل شمن‌پرستی آنها تونست یه تکونی بخوره که نتیجه‌اش میره رسمی شدن تشیع دوران صفویه تنها کتابی که تونست جلوی تهافت غزالی بایسته تهافت التهافت ابن رسد بود.

سوال: به نظرم اول باید مشخص بشه ما داریم از کدام جبهه در مورد عقل می‌گیم...البته این اشکال از من گرفته شده و بجا هم بوده

جواب: البته ایلتخانیان تمایل به شیعه پیدا کردن..نمونه ش الخ بیگ- یا شاهرخ که گوهرشاد خانومش بود

سوال: البته اقا بشیر در مورد مسلمان شدن ایرانی‌ها ابزار اسلام آیا صرفا شعار عدالت خواهی اسلام بوده؟؟؟

جواب: بله اسلام توسط نامه‌های پیامبر به پادشاهان از جمله خسرو پرویز داعیه عدالت داشت. فرصتی نیست وگرنه این رو ادامه میدادم...ایرانی‌ها روابط زیادی با اعراب داشتن و پی به این دین اسمانی برده بودن.

سوال: خب اولش میگه تا نوجوانی واژه علم رو نشنیدم بعد وقتی بهش گفتند دانشمند تازه با این کتاب آشنا شده فهمیده همه علوم دنیا در قرانه یعنی چی؟

جواب: من نمی‌تونم بگم منظور ایشون چی بوده. و هرچی بگم حدسیاته. ولی قران برای علوم مختلف خط دهی کرد ...اصلا ریاضیات دست مسلمین رشد کرد...نیاز به جهت شناسی و جغرافیا و نجوم برای پیدا کردن قبله و روزهای ماه و سال.

سوال: به نظرم در این مورد همیشه صحبت رو خیلی پیچیده کرد اینکه برخی از ایرانی‌ها نگاه متعصبانه و اغراق آمیز به دانشمندان ایرانی دارن این به نظرم صحیح نیست... همین داتمشندان ایرانی از مفاهیم یونانی بود که استفاده کردن و کتب یونانی رو به پهلوی یا حتی عربی و غیره ترجمه کردن... این استفاده از سایر علوم بسیار ارزشمند اما تعصبی که برخی افراد در جامعه ایرانی نسبت به این دانشمندان دارن باعث شده که صرف توجه به یافته‌های داخلی کنند و جست و جو در علوم غربی یا یونانی یا چینی رو اصالتی براش قائل نباشند...

جواب: این دید درست نیست جسارتا...اصلا آثار یونانی یا هلنی وارد جهان اسلام نشد.

سوال: کلا تعصب همیشه نشیمنگاه انسان‌های عقب مانده میشه... و باید در این موضوعی که اقا بشیر در مورد صحبت کردن به نظرم دقت بسیار داشت که درگیر این تعصب نشد.

جواب: اونچیزی وارد جهان اسلام شد به ایران یعنی جندی شاپور اومد و کاملا سریانی شده و مسیحی بود و نزدیک به مفاهیم اسلامی و وحیانی..یونانی مآب بود نه یونانی.

سوال: اقا بشیر آثار یونانی به سریانی حتی ترجمه شده. خواستید من کتب تاریخ رو در وقت معین براتون میارم.

جواب: ترجمه نه الهی شده و صد و هشتاد درجه تغییر کرده ما حتی یک اثر از یونان قدیم جز داستان و تاریخ نداریم. کتب فلسفی و الهیاتی از یونان حتی یک مورد باقی نمونده و فقط ادعاست... فقط در منطق ارغنون مونده چون کتاب خشک عقليه دست نخورده مونده.

سوال: عرض بنده اینه که همین دانشمندان ایرانی درسته که مفاهیم تازه ای هم ارائه دادن مثل ابن سینا که در باب وجود خداوند صحبت تازه ای داشتن یا در طب صحبت‌های تازه ای داشتن اما خوده این دانشمندان هم بدون غرض از سایر کتب ملل دیگه استفاده داشتن.

جواب: بله این حقانیت نگاه اسلامه هرچیز خوب رو باید گرفت.

سوال: اقا بشیر اصلا عقل‌گرایی از کجا شروع شده؟ اولین جنبش‌های عقل‌گرایی از کدوم نقطه جهان بوده؟ دوباره برگشت چون جامعه پذیرای این دانشمندان نبوده هرگز

جواب: اون چیزی رو که مسلمین تحویل گرفتن و اونچیزی که تحویل دادن خیلی تفاوت داشت غربی‌ها نامردی کردن گفتن فقط ترجمه ست و در غرب به نام ارسطو و سقراط و.. چاپ کردن.

سوال: بعدش اونا قوی می‌شدن ما در اثر تنبلی فراموش می‌کردیم.. اسمی از ما نمی‌آمد و همه چی رو از خودشون میدونستند.. جالبه فلاسفه‌ی ما ریشه بحثشون از فلاسفه یونانی هست.

سوال: البته کتب ابن سینا و رازی تدریس میشده اونم در قرن ۱۵ الی ۱۷ میلادی البته اگر اشنباه نکنم.

جواب: این خیلی قدیمیه... ولی شرق اسیا و آسیای میانه رو که در اقلیم چهارم و اعتدال قرار داره معدن عقل‌گرایی دونستن از هند تا عراق امروز و شامات و مقداری از مصر. یله شفا و قانون و الحاوی تدریس می‌شده.

سوال: مصر؟ آقا بشیر قبول دارید عقل‌گرایی در پرتو یک محیط اجتماعی و اقتصادی مناسب ظهور پیدا میکنه؟ یعنی جامعه باید از نظر اقتصادی وضعیت خوبی داشته باشه و از نظر اجتماعی مناسب باشه تا عقل‌گرایی ظهور پیدا کنه؟

جواب: خیر از ریشه فلسفه یونانی هیچ شواهد متقنی نیست.. غربی‌ها هم یونان رو مصادره کردن.. اصلا یونان به غرب ربطی نداره.. بخش اعظم روم ترکیه امروزیه.. که همین الان سه درصدش جز اروپاست و تقلا داره بشه جز اتحادیه اروپا قبول نمیکنن. بله عقل‌گرایی مثل یک چاه نیست از یک جا بجوشه فرایندی رو در اقصی نقاط عالم طی میکنه.

سوال: نگفتم غرب.

جواب: عقل همیشه عقل عملی نیست و وقتی مگیم عقل بیشتر از عقل نظری حرف میزنیم. عقل نظری پایه و فنداسیونه. تا به اشتراک نرسه و خرد جمعی دخیل نشه رشد در اقتصاد و فرهنگ و اجتماعی سیاسی خیلی سخته.

سوال: اینکه میگم جامعه باید از نظر اقتصادی وضعیت خوبی داشته باشه تا به عقل‌گرایی برسه منظور همو عقل نظریه. چرا؟ چون تا وقتی که افراد در محیط یک خانواده با اقتصاد خوب به دنیا نیامده باشن وقتی برای فکر کردن ندارن بلکه تمام وقت خودشون رو صرف تولد محصول می‌کنند مثلا تا زمانی که یک کشاورز نتونه مازاد بر مصرفه خودش تولید کنه نمیتونه به سایر کالاها برسه یا وقت تفکری براش باقی نمیمونه.

سوال: اگر تاریخ دانشمندان جهان رو بخونیم خیلی هاشون و اکثریتشون در رفاه اقتصادی بودن یا اینکه رفاه اقتصادیاشون به نحوی مهیا میشد.

جواب: بله شکمی که گشته باشه کار نمی‌کنه ولی توجه بفرمایید انسان یک بعدی نیست رشد عقل‌گرایی در اروپا به خاطر اقتصاد نبود به خاطر تحریمی بود که توسط عثمانی‌ها و مالیک مصر انجام شد.

سوال: تحریم؟ توضیح بدید.

جواب: دکتر جان این‌ها رو دارن به والله القا میکنن خلاف روایات شیعه ست.. علم در دو چیزه بی‌خوابی و گشنگی. اروپا از لحاظ اقلیمی و مزاجی سر و تر و سرد و خشکه.

سوال: در بی‌خوابی و گشنگی اختیاری یا اجباری؟

جواب: یعنی شدیداً نیاز به ادویه جات داره.

سوال: من اون علمی که از صحبت میشه رو در بی‌خوابی و گشنگی اختیاری میبینم نه اجباری. فقری که الان صحبت من و شماست یک نوع گشنگی اجباریه نه اختیاری.

جواب: اختیار عزیز من.. البته توفیق اجباری هم جواب میده.. تحریم یک توفیق اجباریه.. کلاس‌های درسی امروز اگر عاقل باشیم توفیق اجباریه.

سوال: تحریم‌ها رو کمی توضیح بدید. بحث تحریم‌ها از کجای تاریخ شروع شده؟ تحریم رو کسی انجام میده که یک مزیت مادی رو همراه با خودش داشته باشه. ما باید به این موضوع فکر کنیم که چطور به اون مزیت‌های مالی قبل از رسیدن اون ملت‌های ظالم بکنیم... اینکه اون‌ها به این مزیت‌های مالی رسیدن چی بوده؟

جواب: ادویه از هند و جهان اسلام به واسطه عثمانی‌ها تا اواخر به دست اروپایی‌ها میرسید.
سوال: جالب شد.

جواب: یعنی همه جهان اسلام از شبه قاره هند سابق گرفته ایران و عراق تا اتصال به غرب از این راه تجاری نون می‌خوردن. تا اینکه قسطنطنیه پاتخت روم شرقی توسط سلطان محمد فاتح فتح شد. و حتی حق گمرکی می‌گرفتند. تازه تا اروپا میرسید قیمتها چند برابر بالا میرفت. البته ابریشم ایران هم صادر میشد. مخصوصا توسط شاه عباس.

سوال: درسته اقا بشیر صحبت از عقل‌گرایی به نظر من یک بخش اعظمش رو باید در مسائل اقتصادی جست و جو کرد ببخشید اینقدر سوال میکنم اما یک سوال تازه... همین هندی که شما فرمودی تا قرن ۱۷ میلادی همپا با انگلیس تولید پارچه میکرد ولی چی شد که انگلیس بعدها تونست تولید پارچه ای بهتر و با کیفیت تر و ارزان تر و بیشتر از هند داشته باشه.. این‌ها بعدها اومدن ماشین‌ها رو وارد کردن به طوری که سرعت تولید کالا و دقت در تولید رو بالا بردن.
جواب: ولی یه دوره منطقه اتصال مصر به غرب افتاد دست ممالیک که غلامان تازه به سلطنت رسیده بودن. ادویه رو انحصار کردن. شاه عباس هم ابریشم رو انحصار کرد. خب غربی‌ها مهمترین پاتخت خودشون رو از دست دادن. گفتن چی کار کنیم حالا؟؟؟؟

سوال: این نوعی از عقل‌گراییه که در اقتصاد یک جامعه نفوذ کرده بنده صحبتیم اینه چرا ما به این عقل‌گرایی نفوذ یافته در اقتصاد نرسیدیم... مفاهیم فلسفی برای ساخت دنیا و آخرت مردم باید باشن نه ساخت صرفا آخرت... چرا مفاهیم فلسفی ای که در دست ماست نتونسته دنیامون رو فعلا بسازه دلیل از نگاه شما چیه؟

جواب: اَخه سوال قبلی تموم نشده که دکتر کلم. اومدن تصمیم گرفتن مسلمانان رو دور بزنی یعنی تحریم‌ها رو دور بزنی چطوری؟؟؟ خب باید برای دور زدن تحریم‌ها و رسیدن به شرق آسیا زمین رو دور میزدن یعنی مرسیرن به هند معدن ادویه. اینجا بود که باز دست به دامان ابن ماجد دریانورد و جغرافی دان مسلمان شدن. واسکوداگامای پرتغالی اومد با کمک ابن ماجد دماغه امید نیک رو دور زد تا از خلیج فارس و دریای هند که امروزه قسمتیش عمانه برسه به هند. در مرحله اول نتونستن... و ابتدا سبب کشف قاره امریکا شد این حرکت. الفونسو دالبوکوک یک پرتغالی دیگه تونست به امریکا برسه. البته این رو بگم در آثار الباقیه ابوریحان بیرونی نقشه ای اومده و گواه اینه مسلمین از امریکا خبر داشتن. خب پرتغالی‌ها اومدن چندین بار تو طوفان‌های شدید شکست خوردن تا بالاخره سکان قوی ساختن. ادامه ش هم دوره صفویه حضور پرتغالی‌ها تو جزیره هرمز رو داریم. بعد شرکت‌های هلندی از همین راه اومدن به آسیا. کمپانی هند شرقی در هند معروفه. خلاصه استعمار شروع شد. تحریم رو شکستن و شدن امپراطور منطقه. از طرفی بین عثمانی و اعراب و صفویه تفرقه انداختن. که این هم سر درازی داره. بعدش هم حضور بریتانیا در منطقه ست که شد قدرت اول منطقه. هلند و پرتغال رو کنار زد. اینکه میگن روباه پیر از اینجا شروع میشه.

سوال: صحبت از استعمار شد شاید بهتره کمی صحبت از استعمارپذیر هم بشه همیشه به من توضیح بدید چرا کشورهای اسلامی استعمارپذیر شدن یا شرق آسیا حتی؟ این خصوصیت استعمارپذیری از کجا میاد؟

سوال: بعدشم چالدران و اینا

جواب: خب وقتی چیزی نداشته باشی و عرضه کنی مجبوره بشی مصرف کننده. غربی‌ها خودشون شدن صاحب منطقه. مثل نفت خاور میانه با اختیار میبردن و از مردم برای کارگری و بردگی و بازار مصرف استفاده میکردن. و تمام مواد خام رو مفت خارج میکردن. البته این بیشتر مذهبی بود.. نقش استعماری بیشتر زمان شاه طهماسب و شاه عباسه. ولی خب تو چالدران غربی‌ها عثمانی را ساپورت کردن. ولی انگلیسی‌ها تو دربار صفویه نفوذ کردن چون خیالشون راحت بود وهایی‌ها عثمانی ور شکست میدن. خسته نیستید بزرگوار؟؟ نمیدونستم تاریخ اینقدر طرفدار داره

سوال: اقا بشیر همین موضوع مخه ناقص بنده رو به خودش مشغول کرده که عواملی که سبب شده ما تولید کننده نباشیم چی بوده شرق آسیا و ایران و عراق و سوریه امروز تا قرن ۱۳ الی ۱۵ میلادی حتی پیشرفته تر از غرب شاید پیش میرفت یا مساوی بود وضعیت اینکه یک ملتی از تولید عقب میمانه اونم مجموع ملل اسلامی علت چیه؟ اَخه همین موضوع زمینه استعمار رو رقم میزنه؟ ملتی اگر مازاد بر مصرف تولید نداشته باشه مجبوره تحت استعمار و استبداد قرار بگیره. این آخرین سوال بنده رو پاسخ بدید ان شالله سوالی دیگه ای ندارم.

سوال: بزرگوار مگه استخراج نفت اولین بار کجا و در چه تاریخی بوده؟

جواب: بخش اعظمش بر میگردد به حکومت‌های اواخر قرن ۱۵ و ۱۶. از اواسط قاجار پی بردن. و قاعده تفرقه بنداز و حکومت کن. برادران شرلی انتونی و انتوان به دربار صفویه نفوذ کردن. و تحریک کردن ضد عثمانی. از طرفی عثمانی‌ها با اروپای رنسانس آشنا شدن.

سوال: بنظر حقیر وجود نفت مانند لقمه ای آماده بوده که مانع پیشرفت صنعتی میشه

جواب: حتی یک کتاب هشت سفیر عثمانی در اروپا دکرت همتی ترجمه کرده. که چقدر مردم فریب خوردن و یک باره همه چیز رو ول کردن. این جنگ‌های بین عثمانی و صفویه جهان اسلام و نیروی انسانی و ثروت و.. رو فلج کرد.

سوال: قبل از کشف نفت هم ما عقب افتاده تر بودیم شاید استعمار رو بشه به کشف نفت مرتبط دونست ولی نه عقب ماندگی خاورمیانه رو

جواب: همون بلایی که الان دارن سر اسیا میارن.

سوال: اقا بشیر قرار بود سوال قبلی آخرین سوال باشه اما اجازه به طرح یک سوال دیگه دارم؟

جواب: میخواستم بگم عثمانی چون نصف اروپا رو فتح کرده بود غربی‌ها مجبور شدن زمینش بززن. از یک طرف وهابیت رو ساختن تا به جون ترکان عثمانی بنذارن. از یک طرف صفویه. عثمانی که زمین خرد جهان اسلام هم زمین خرد. یعنی تموم شد؟؟ 😊😊

سوال: سوالی در این جریان ذهن بنده رو مشغول میکنه و اون دلیلی بود که شما برای استعمار آوردید و گفتید یکی از ابزارهای تاثیر گذار دشمن ملعون ما تفرقه بوده میشه به من بگید ایا واقعا حکومت دینی یک بستر مناسب رو جهت ایجاد تفرقه ایجاد میکنه یا خیر؟ اگر جواب مثبته و دین بستر تفرقه رو ایجاد میکنه و دشمن این ابزار رو شناسایی کرده در دین ایا این از نقص‌های ذاتیه دین به شمار میاد که همیشه تفرقه رو همراه با خودش داره؟ آخه ما در صحبت‌های بسیاری هم شنیدیم که میگن کافرین در باطل خودشون متحدن اما موحیدین در حقانیت خودشون خیر. ایا این یک نقص ذاتی از دینه؟

سوال: سلا استاد ❀ این مواردی رو که به عنوان علت بر شمردید خود میتواند معلول علت‌های دیگر باشد. اینکه اون‌ها سیاست مناسب رو انتخاب میکنند و ممالک اسلامی منفعلانه عمل میکنند و در دام نقشه‌های آنها میفتند

جواب: این بحث طولیه.. هرگز اینطور نیست.. دین اگر به عنوان برنامه کامل دیده بشه نه تنها تفرقه نمیاره بلکه اوج انسان دوستی ولی خب مشکل ادم‌ها منفعت طلبی و انحصار گراییه. چون خسته اید به کتاب معرفی کنم. خیلی کتاب خوبیه. همه از مجلات و کتب غربی رفرنس داده و هیچ کتابی نیست که ندیده باشه... به نام شناخت استعمار.

سوال: خب تاریخ حداقل نشون داده لااقل حکومت دینی مستعد تفرقه هست

جواب: از استعمار کهنه و نو میگه و علل‌ها و ریشه‌ها رو دقیق و مستند بررسی می‌کنه. هرچیزی درست ازش استفاده نشه همینه... علم هم همینه.

سوال: نویسنده رو معرفی کنید استاد. به نظرم جای صحبت دقیق تری رو در فرصت مناسب تر داره.

جواب: مصطفی اسکندری. بله همیشه الان وارد شد. در ضمن بحث‌های رابطه علم و دین حساسه... من الان نمیکشم واقعا.. شرمنده.

سوال: ببخشید بنده اگر سوالی مربوط و نامربوط پرسیدم... پرسش و شنیدن پاسخ هرچند نه تمام پاسخ لذت بخشه و لذت بخش تر بودن اینه که برای سوال ایجاد فیلتر نکرد... استاد عزیز ممنون بابت وقتی که گذاشتید خدا بهتون خیر بده. شما رو به خدا میسپارم امری نیست؟

عزیزان ایران اسلامی هنوز یک پاش تو سنته و هنوز مردم ما عشق به اسلام و اهل بیت س دارن. این عشق هرگز خاموش نمیشه. سعی کنیم تلاش‌ها رو برای افزایش معرفت و علم بیشتر کنیم تا خدمت کنیم به امام زمان عج و همه اهل عالم. بحران هویت طبیعی ولی ما هنوز دچار بحران نشدیم چون عشق امام حسین ع و نور امام رضا ع تو دلای ماست. خدایا به حق شمس الشمسوس به حق امام مجتبی ع ایمان رو در جویون‌ها تقویت بفرما. خدایا به حق اهل بیت س به حق مادرمون حضرت زهرا س مشکلات و موانع تحصیل و اشتغال و ازدواج و مسکن جوانان رو برطرف بفرما... آمین و صلوات